

هُوَ الْأَبِي - ای ناطق بثنای حضرت

یزدان، در موسم زمستان...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



هُوَ الْأَبِي

ای ناطق بثنای حضرت یزدان، در موسم زمستان آنچه طغیان طوفان شدیدتر و باران و بوران عظیمتر در فصل نو بهار گلشن و گلزار طراوت و لطافتش بیشتر گردد و حلاوت و زینت چمن و لاله زار زیادتر شود. گریه ابر سبب خنده گل گردد و دمدمه رعد نتیجه اش زمزمه بلبل شود و شدت برد جمال ورد بار آورد و طوفان سرد باغ را بشکوفه های سرخ و زرد بیاراید. اریاح شدید منتج نسائم لطیف گردد و باد صبا شمیم گل حمرا گیرد. سفیدی برف سبزی چمن شود و افسردگی خاک شکفته گی نسرین و نسترن گردد و پرمردگی شتا تری و تازگی بهاری شود و شدت سرما اعتدال هوا گردد. سرو ببالد، فاخته بنالد، بلبل بخواند، گل چهره برافروزد، لاله ساغر گیرد، نرگس مخمور گردد، بنفشه مدهوش شود، اشجار سبز و خرم شود و اوراق طراوت جوید. ازهار بدمد، اثمار نمودار شود، گلشن مجلس انس شود و چمن محفل قدس گردد. جمیع این فیوضات و تجلیات بهاری بر اثر مصیبات زمستانست و کل سرور و حبور گلشن و گلزار از اثر شدت برودت فصل شتا. لهذا ای اسیر سلاسل و اغلال و رهین وثیق و سجن در راه پروردگار. اگر چه در بلایای شدید افتادی و در رزایای عظیمه گرفتار شدی کأس بلا نوشیدی و زهر ابتلا چشیدی بسا شها که از ثقل اغلال نیارمیدی و بسا روزها که از اذیت اهل ضلال نیاسودی اینست صدمات قویه بود و جلیست بلیات شدید. امیدواریم که این مشقات جسمانیه راحت و مسرت روحانیه آرد و این آتش سوزان عوانان روح و ریحان قلب و وجدان



ORIGINAL



AUDIO

آرد. این عُسرت علّت مسرّت گردد و این زحمت باعث رحمت شود و این نعمت سبب نعمت
جاودانی گردد و این تنگی سبب گشایش جهان الهی شود. قسم بسلطان وجود و عالم غیب و شهود که
این بلیّات سبیل محبوب از جان عزیزتر است و از شهد و شکر لذیذتر ع

